



shariatkhoda.org

شریعت خدا: ضمیمه ۶: گوشت‌های حرام برای مسیحیان

همه موجودات زنده برای غذا آفریده نشده‌اند

باغ عدن: یک رژیم غذایی گیاهی

این حقیقت زمانی آشکار می‌شود که آغاز بشریت را در باغ عدن بررسی کنیم. آدم، نخستین انسان، وظیفه داشت که از یک باغ نگهداری کند. چه نوع باغی؟ متن اصلی عبری مشخص نمی‌کند، اما شواهد قانع‌کننده‌ای وجود دارد که این باغ، باغی از درختان میوه بوده است:

“و یهوه خدا باغی در عدن در سمت شرق کاشت... و از زمین، خداوند هر درختی را که خوش‌نما و برای خوراک نیکو باشد، رویانید” (بیدایش ۲:۱۵).

همچنین درباره نقش آدم در نام‌گذاری و مراقبت از حیوانات می‌خوانیم، اما در هیچ جای کتاب مقدس اشاره‌ای نشده است که آنها نیز مانند درختان “برای خوراک نیکو” بودند.

مصرف حیوانات در برنامه خدا

این بدان معنا نیست که خوردن گوشت توسط خدا ممنوع شده است—اگر چنین بود، دستور صریحی در این باره در سراسر کتاب مقدس وجود داشت. با این حال، این موضوع نشان می‌دهد که مصرف گوشت حیوانی از ابتدا بخشی از رژیم غذایی بشریت نبوده است.

تدارک اولیه خدا در آغاز زندگی انسان کاملاً گیاهی به نظر می‌رسد و بر میوه‌ها و سایر انواع گیاهان تأکید دارد.

تفاوت بین حیوانات پاک و ناپاک

معرفی در زمان نوح

در حالی که خدا سرانجام اجازه داد انسان‌ها حیوانات را بکشند و بخورند، تفاوت‌های مشخصی بین حیواناتی که برای مصرف مناسب بودند و آنهایی که مناسب نبودند، تعیین شد.

این تمایز برای اولین بار در دستوراتی که به نوح پیش از طوفان داده شد، مشخص می‌شود:
“از هر نوع حیوان پاک، هفت جفت، نر و ماده، و از هر نوع حیوان ناپاک، یک جفت، نر و ماده، با خود ببر”
(پیدایش ۷:۲).

دانش ضمنی درباره حیوانات پاک

اینکه خدا نحوه تشخیص حیوانات پاک و ناپاک را برای نوح توضیح نداد، نشان می‌دهد که این دانش از قبل در انسان‌ها وجود داشته است، احتمالاً از همان ابتدای خلقت.

این شناخت از حیوانات پاک و ناپاک، بازتاب یک نظم و هدف الهی وسیع‌تر است، که در آن برخی موجودات برای نقش‌ها یا مقاصد خاصی در چارچوب طبیعی و معنوی جدا شده‌اند.

مفهوم اولیه حیوانات پاک

مرتبط با قربانی

بر اساس آنچه تاکنون در روایت پیدایش رخ داده است، می‌توانیم با اطمینان فرض کنیم که تا زمان طوفان، تمایز بین حیوانات پاک و ناپاک تنها مربوط به مقبولیت آنها به‌عنوان قربانی بوده است.

قربانی Abel (هابیل) از نخستین زادگان گله‌اش این اصل را برجسته می‌کند. در متن عبری، عبارت “نخستین زادگان گله‌اش” (מִבְּכֹרֹת צֹאֲנוּ) از کلمه “گله” (צֹאֲנוּ, tzon) استفاده می‌کند که معمولاً به حیوانات اهلی کوچک

مانند گوسفند و بز اشاره دارد. بنابراین، به احتمال زیاد، هابیل یک بره یا بزغاله جوان از گله خود را قربانی کرد (پیدایش ۳: ۴-۵).

قربانی‌های نوح از حیوانات پاک

به همین ترتیب، زمانی که نوح از کشتی بیرون آمد، او مذهبی ساخت و قربانی‌های سوختنی را برای خداوند تقدیم کرد، که از حیوانات پاک بودند—حیواناتی که پیش از طوفان در دستورات خدا به‌طور مشخص ذکر شده بودند (پیدایش ۲۰: ۸؛ ۲: ۷).

این تأکید اولیه بر حیوانات پاک برای قربانی، بنیانی را برای درک نقش منحصر به فرد آنها در عبادت و پاکی عهدی فراهم می‌کند.

واژه‌های عبری که برای توصیف این دسته‌ها استفاده شده‌اند—**טהור** (طهور) و **טמא** (ظمه)—تصادفی نیستند. این واژه‌ها به‌شدت با مفاهیم قدوسیت و جدایی برای خداوند مرتبط هستند:

• **טמא (Tamei)**

معنا: ناپاک، نجس.

کاربرد: اشاره به ناپاکی آیینی، اخلاقی، یا جسمی دارد. اغلب برای حیوانات، اشیا یا اعمالی به‌کار می‌رود که برای مصرف یا عبادت ممنوع شده‌اند.

مثال: “اما این‌ها را نباید بخورید... زیرا برای شما ناپاک (ظمه) هستند” (لاویان ۱۱: ۴).

• **טהור (Tahor)**

معنا: پاک، طاهر.

کاربرد: اشاره به حیوانات، اشیا یا افرادی دارد که برای مصرف، عبادت، یا مراسم آیینی مناسب هستند.

مثال: “شما باید میان مقدس و معمولی، و میان ناپاک و پاک تمایز قائل شوید” (لاویان ۱۰: ۱۰).

این اصطلاحات پایه قوانین غذایی خدا را تشکیل می‌دهند، که بعداً در **لاویان ۱۱** و **تثنیه ۱۴** به‌تفصیل آمده است. این فصل‌ها به‌طور صریح حیواناتی را که پاک (مجاز برای غذا) و ناپاک (ممنوع برای خوردن) هستند، فهرست می‌کنند، تا اطمینان حاصل شود که قوم خدا مقدس و متمایز باقی بمانند.

هشدارهای خدا در مورد خوردن گوشت‌های ناپاک

در سراسر **تنخ** (عهد عتیق)، خدا بارها قوم خود را به خاطر نقض قوانین غذایی اش مورد توبیخ قرار داده است. چندین بخش به طور خاص مصرف حیوانات ناپاک را محکوم می‌کنند و نشان می‌دهند که این عمل نوعی سرکشی در برابر دستورات خداوند محسوب می‌شد:

“قومی که همواره مرا در حضورم خشمگین می‌سازند... که گوشت خوک می‌خورند و دیگر هایشان پر از آبگوشت گوشت ناپاک است” (اشعیا ۳: ۶۵-۴).

“کسانی که خود را تقدیس و تطهیر می‌کنند تا به باغ‌ها بروند، به دنبال آنکه از میان ایشان گوشت خوک، موش، و دیگر چیزهای ناپاک می‌خورند—همگی به همراه کسی که او را پیروی می‌کنند، به پایان خواهند رسید”، خداوند چنین می‌فرماید (اشعیا ۱۷: ۶۶).

این سرزنش‌ها نشان می‌دهند که خوردن گوشت ناپاک صرفاً یک مسئله غذایی نبود، بلکه یک شکست اخلاقی و معنوی محسوب می‌شد. عمل خوردن این غذاها با سرپیچی از دستورات خداوند مرتبط بود. با تسلیم شدن در برابر این اعمال ممنوعه، مردم بی‌اعتنایی خود را نسبت به قدوسیت و اطاعت نشان می‌دادند.

عیسی و گوشت‌های ناپاک

با آمدن عیسی، گسترش مسیحیت، و نگارش عهد جدید، بسیاری شروع کردند به پرسیدن این سؤال که آیا دیگر برای خدا اهمیتی ندارد که از قوانین او، از جمله احکام مربوط به غذاهای ناپاک، اطاعت شود؟ در واقع، تقریباً تمام دنیای مسیحیت هر آنچه را که بخواهد می‌خورد.

اما واقعیت این است که در هیچ‌کجای عهد عتیق، هیچ پیشگویی‌ای وجود ندارد که بگوید مسیح شریعت مربوط به گوشت‌های ناپاک یا هر قانون دیگری از پدر خود را لغو خواهد کرد (چنانکه برخی ادعا می‌کنند). عیسی به طور واضح در همه چیز از فرامین پدر اطاعت کرد، از جمله در این مورد.

اگر عیسی گوشت خوک خورده بود، همان‌طور که می‌دانیم او ماهی (لوقا ۴: ۲۴-۴۳) و بره (متی ۱۷: ۲۶-۳۰) خورده است، در این صورت ما یک آموزش واضح از طریق الگو داشتیم، اما می‌دانیم که چنین چیزی هرگز اتفاق نیفتاد. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که عیسی و شاگردانش این دستورات داده‌شده توسط خدا از طریق پیامبران را نقض کرده باشند.

استدلال‌های رد شده

استدلال نادرست: «عیسی همه غذاها را پاک اعلام کرد»

حقیقت:

مرقس ۷:۱-۲۳ اغلب به عنوان مدرکی آورده می‌شود که نشان دهد عیسی قوانین غذایی مربوط به گوشت‌های ناپاک را لغو کرد. با این حال، بررسی دقیق متن نشان می‌دهد که این تفسیر بی‌اساس است. آیه‌ای که معمولاً به اشتباه نقل می‌شود، چنین می‌گوید:

“زیرا غذا وارد قلب او نمی‌شود، بلکه به معده می‌رود و به‌عنوان فضولات دفع می‌شود. (با این، او همه غذاها را پاک اعلام کرد)” (مرقس ۷:۱۹).

زمینه آیه: این آیه درباره گوشت پاک و ناپاک نیست

پیش از هر چیز، زمینه این بخش هیچ ارتباطی با قوانین مربوط به حیوانات پاک و ناپاک که در لایوان ۱۱ بیان شده‌اند ندارد. در عوض، این آیات بر بحثی بین عیسی و فریسیان درباره یک سنت یهودی که به قوانین غذایی مرتبط نیست، تمرکز دارد. فریسیان و کاتبان مشاهده کردند که شاگردان عیسی قبل از غذا خوردن، مراسم شست‌وشوی دست را انجام نمی‌دهند، که در عبری *טְהִיִּם יְדַיִם* نام دارد. این مراسم شامل شستن دست‌ها با دعاست و تا امروز به‌ویژه در محافل ارتدوکس یهودی اجرا می‌شود.

نگرانی فریسیان درباره قوانین غذایی خدا نبود، بلکه در مورد پیروی از این سنت انسانی بود. آنها عدم اجرای این مراسم را نقض آداب و رسوم خود دانسته و آن را برابر با ناپاکی می‌دانستند.

پاسخ عیسی: قلب مهم‌تر از سنت‌هاست

عیسی در بخش عمده‌ای از مرقس ۷ تعلیم می‌دهد که آنچه واقعاً انسان را نجس می‌سازد، اعمال و سنت‌های بیرونی نیست، بلکه وضعیت قلب است. او تأکید می‌کند که ناپاکی معنوی از درون انسان، از افکار و اعمال گناه‌آلود نشأت می‌گیرد، نه از عدم رعایت تشریفات آیینی.

وقتی عیسی توضیح می‌دهد که غذا انسان را نجس نمی‌کند زیرا وارد دستگاه گوارش شده و نه قلب، او درباره قوانین غذایی سخن نمی‌گوید، بلکه درباره سنت شست‌وشوی دست‌ها صحبت می‌کند. تمرکز او بر طهارت درونی است، نه آیین‌های ظاهری.

مرقس ۷:۱۹ اغلب به دلیل یک توضیح اضافه که ناشران کتاب مقدس در متن قرار داده‌اند، اشتباه تفسیر می‌شود، که می‌گوید: “با این، او همه غذاها را پاک اعلام کرد.” در متن یونانی، جمله تنها چنین می‌گوید:

“ΟΤΙ ΟΥΚ ΕΙΣΠΟΡΕΥΕΤΑΙ ΑΥΤΟΥ ΕΙΣ ΤΗΝ ΚΑΡΔΙΑΝ ΑΛΛ ΕΙΣ ΤΗΝ ΚΟΙΛΙΑΝ ΚΑΙ ΕΙΣ ΤΟΝ ΑΦΕΔΡΩΝΑ”
“,ΕΚΠΟΡΕΥΕΤΑΙ ΚΑΘΑΡΙΖΟΝ ΠΑΝΤΑ ΤΑ ΒΡΩΜΑΤΑ

که به صورت تحت‌اللفظی ترجمه می‌شود:

“زیرا غذا وارد قلب نمی‌شود، بلکه به معده می‌رود و به مستراح دفع می‌شود، که همه غذاها را تصفیه می‌کند.”

خواندن: “به مستراح دفع می‌شود، که همه غذاها را تصفیه می‌کند” و ترجمه آن به: “با این، او همه غذاها را پاک اعلام کرد” تلاشی آشکار برای تغییر متن و تطبیق آن با تعصبات رایج علیه شریعت خدا در حوزه‌های علمیه و میان ناشران کتاب مقدس است.

آنچه منطقی‌تر به نظر می‌رسد، این است که کل جمله شرحی از روند طبیعی گوارش در گفتار رایج آن زمان باشد. سیستم گوارشی غذا را دریافت کرده، مواد مغذی و ترکیبات مفید را جذب می‌کند (بخش پاک)، و باقی‌مانده را به‌عنوان فضولات دفع می‌کند. عبارت “پاک‌سازی همه غذاها” احتمالاً به این فرآیند طبیعی جداسازی مواد مفید از مواد زائد اشاره دارد.

نتیجه‌گیری درباره این استدلال نادرست

مرقس ۷:۱-۲۳ درباره لغو قوانین غذایی خدا نیست، بلکه درباره رد سنت‌های انسانی است که آیین‌های بیرونی را بر امور قلبی و معنوی ترجیح می‌دهند. عیسی تعلیم داد که نجاست واقعی از درون انسان سرچشمه می‌گیرد، نه از رعایت نکردن شست‌وشوی تشریفاتی دست‌ها. ادعای اینکه «عیسی همه غذاها را پاک اعلام کرد» تفسیری نادرست از متن است که ریشه در تعصباتی دارد که علیه قوانین ابدی خدا وجود دارد. با مطالعه دقیق زمینه آیه و زبان اصلی، روشن می‌شود که عیسی تعالیم تورات را تأیید کرد و قوانین غذایی خدا را رد نکرد.

استدلال نادرست: «در یک رؤیا، خدا به رسول پطرس گفت که اکنون می‌توانیم گوشت هر حیوانی را بخوریم»

حقیقت:

بسیاری از افراد به رؤیای پطرس در اعمال ۱۰ استناد می‌کنند و آن را مدرکی برای این ادعا می‌دانند که خدا قوانین غذایی مربوط به حیوانات ناپاک را لغو کرده است. با این حال، بررسی دقیق‌تر زمینه و هدف این رؤیا نشان می‌دهد که این موضوع هیچ ارتباطی با تغییر قوانین مربوط به گوشت‌های پاک و ناپاک نداشته است. در واقع، این رؤیا برای آموزش پطرس جهت پذیرش غیر یهودیان در قوم خدا بود، نه تغییر دستورات غذایی خدا.

رؤیای پطرس و هدف آن

در اعمال ۱۰، پطرس رؤیایی می‌بیند که در آن پارچه‌ای از آسمان پایین می‌آید که شامل انواع حیوانات، هم پاک و هم ناپاک، است و دستوری به او داده می‌شود: “بکش و بخور.” واکنش فوری پطرس کاملاً روشن است: “نه، ای خداوند! من هرگز چیزی که نجس یا ناپاک باشد، نخورده‌ام” (اعمال ۱۰:۱۴).

این واکنش از چند جهت اهمیت دارد:

1. اطاعت پطرس از قوانین غذایی

این رؤیا پس از صعود عیسی و نزول روح‌القدس در پنطیکاست رخ می‌دهد. اگر عیسی قوانین غذایی را در طول خدمت خود لغو کرده بود، پطرس—که یکی از نزدیک‌ترین شاگردان عیسی بود—از این موضوع آگاه می‌بود و چنین واکنش شدیدی نشان نمی‌داد. اینکه پطرس از خوردن حیوانات ناپاک امتناع کرد، نشان می‌دهد که او همچنان از قوانین غذایی پیروی می‌کرد و هرگز چنین درکی نداشت که این قوانین لغو شده باشند.

2. پیام واقعی رؤیا

رؤیا سه بار تکرار می‌شود، که نشان‌دهنده اهمیت آن است، اما معنای واقعی آن تنها چند آیه بعد مشخص می‌شود، زمانی که پطرس به خانه کرنلیوس، یک غیر یهودی، می‌رود. خود پطرس توضیح می‌دهد که معنای رؤیا چیست:

«خدا به من نشان داده است که نباید هیچ انسانی را نجس یا ناپاک بدانم» (اعمال ۱۰:۲۸).

رؤیا اصلاً درباره غذا نبود، بلکه یک پیام نمادین بود. خدا از تصویر حیوانات پاک و ناپاک استفاده کرد تا به پطرس پیامی را برساند که موانع میان یهودیان و غیر یهودیان در حال برداشته شدن است و اکنون غیر یهودیان نیز می‌توانند در پیمان خدا پذیرفته شوند.

ناسازگاری‌های منطقی در استدلال «لغو قوانین غذایی»

ادعای اینکه رؤیای پطرس قوانین غذایی را لغو کرد، چندین نکته مهم را نادیده می‌گیرد:

1. مقاومت اولیه پطرس

اگر قوانین غذایی قبلاً لغو شده بودند، اعتراض پطرس بی‌معنا بود. سخنان او نشان‌دهنده پایبندی مستمر او به این قوانین است، حتی پس از سال‌ها پیروی از عیسی.

2. هیچ شاهی در کتاب مقدس برای لغو قوانین غذایی وجود ندارد

در هیچ جای اعمال ۱۰ متن به‌صراحت بیان نمی‌کند که قوانین غذایی لغو شده‌اند. تمرکز این فصل کاملاً بر پذیرش غیر یهودیان است، نه بازتعریف غذاهای پاک و ناپاک.

3. نمادگرایی رؤیا

هدف رؤیا زمانی آشکار می‌شود که پطرس آن را به‌کار می‌گیرد. وقتی او درمی‌یابد که خدا هیچ تبعیضی قائل نمی‌شود، بلکه انسان‌هایی از هر قوم که از او بترسند و عمل نیک انجام دهند، می‌پذیرد (اعمال ۱۰:۳۴-۳۵)، روشن می‌شود که این رؤیا درباره رفع تعصبات بوده است، نه قوانین غذایی.

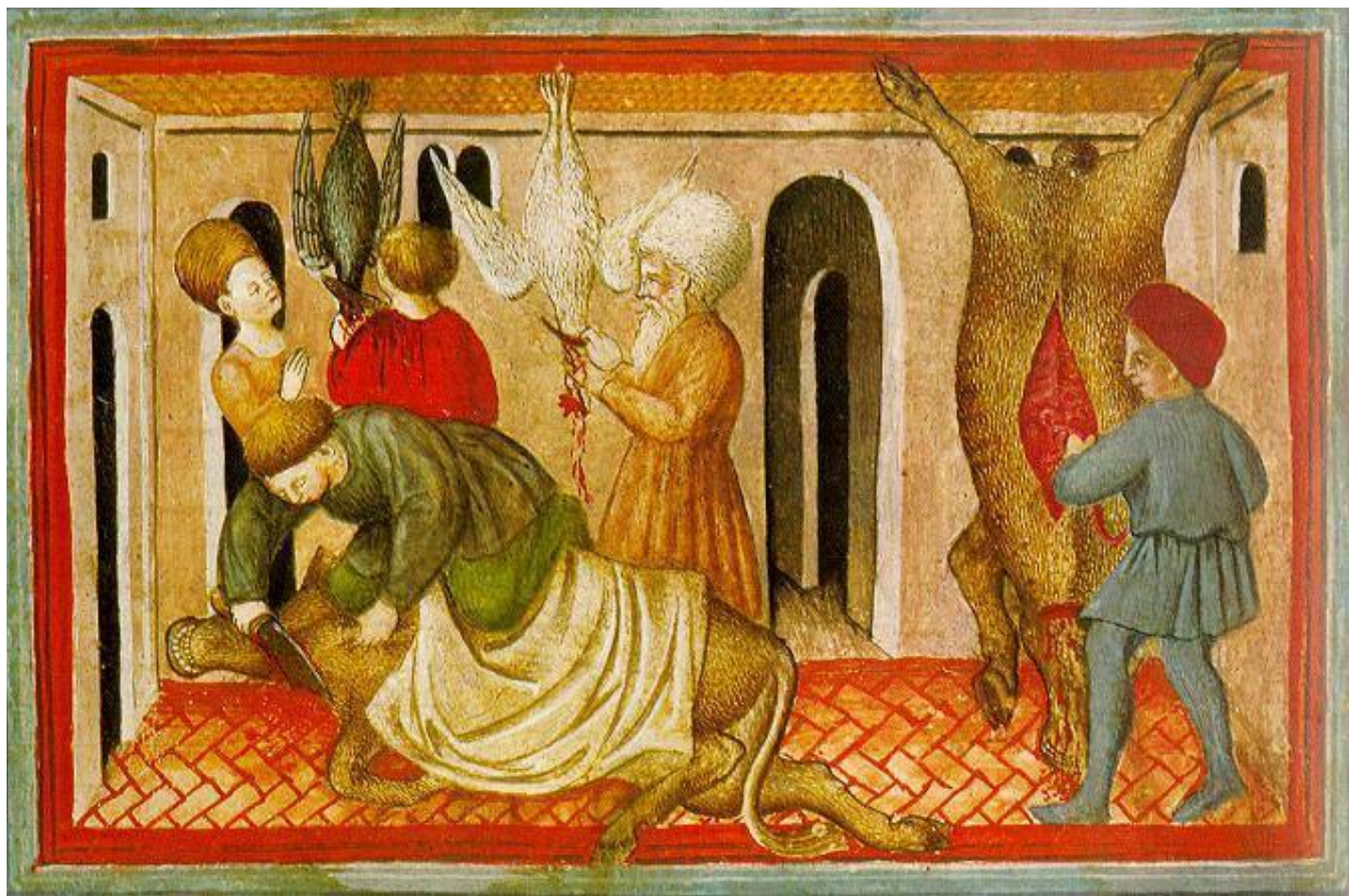
4. تناقضات در تفسیر

اگر این رؤیا درباره لغو قوانین غذایی بود، با زمینه گسترده‌تر کتاب اعمال در تضاد قرار می‌گرفت، جایی که مؤمنان یهودی، از جمله پطرس، همچنان به دستورات تورات پایبند بودند. افزون بر این، اگر رؤیا را به‌صورت تحت‌اللفظی تفسیر کنیم، پیام نمادین آن از بین می‌رود، زیرا در آن صورت، تنها به مسائل غذایی مربوط می‌شد و نه موضوع بزرگ‌تر پذیرش غیر یهودیان.

نتیجه‌گیری درباره این استدلال نادرست

رؤیای پطرس در اعمال ۱۰ درباره غذا نبود، بلکه درباره مردم بود. خدا از تصویر حیوانات پاک و ناپاک استفاده کرد تا حقیقتی معنوی عمیق‌تر را منتقل کند: اینکه بشارت برای همه ملت‌هاست و غیر یهودیان دیگر نجس یا خارج از قوم خدا محسوب نمی‌شوند. تفسیر این رؤیا به‌عنوان لغو قوانین غذایی، سوءبرداشتی از متن و هدف این فصل است.

دستورات غذایی داده‌شده توسط خدا در لاویان ۱۱ همچنان بدون تغییر باقی مانده‌اند و هرگز موضوع این رؤیا نبوده‌اند. اعمال و توضیحات خود پطرس این امر را تأیید می‌کند. پیام واقعی این رؤیا درباره برداشتن موانع بین مردم است، نه تغییر قوانین ابدی خدا.



نقاشی قدیمی از قصابانی که گوشت را مطابق قوانین کتاب مقدس برای تخلیه خون تمامی حیوانات پاک، پرندگان و حیوانات زمینی، همان‌طور که در لاویان ۱۱ توصیف شده، آماده می‌کنند.

استدلال نادرست: «شورای اورشلیم تصمیم گرفت که غیر یهودیان می‌توانند هر چیزی بخورند، به شرط آنکه خفه‌شده نباشد و خون نداشته باشد»

حقیقت:

شورای اورشلیم (اعمال ۱۵) اغلب به اشتباه به این صورت تفسیر می‌شود که غیر یهودیان اجازه یافتند که بیشتر از فرمان‌های خدا چشم‌پوشی کنند و تنها چهار شرط اساسی را رعایت نمایند. با این حال، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این شورا درباره لغو قوانین الهی برای غیر یهودیان نبود، بلکه هدف آن تسهیل مشارکت اولیه آنان در جوامع یهودیان مسیحی بود.

موضوع شورای اورشلیم چه بود؟

سؤال اصلی که در شورا مطرح شد این بود که آیا غیر یهودیان باید کاملاً به تمامی تورات، از جمله ختنه، متعهد شوند تا پیش از آنکه اجازه داشته باشند بشارت را بشنوند و در جلسات اولین جماعت‌های مسیحیان یهودی‌شده شرکت کنند؟

برای قرن‌ها، سنت یهودی بر این باور بود که غیر یهودیان باید کاملاً تابع تورات شوند، از جمله انجام اعمالی مانند ختنه، رعایت سبت، قوانین غذایی، و سایر فرمان‌ها، قبل از آنکه یک یهودی بتواند آزادانه با آنها تعامل داشته باشد (نگاه کنید به متی ۱۰:۵-۶؛ یوحنا ۴:۹؛ اعمال ۱۰:۲۸). تصمیم شورا نقطه عطفی را مشخص کرد و تأیید نمود که غیر یهودیان می‌توانند بدون اینکه بلافاصله همه این قوانین را رعایت کنند، مسیر ایمان خود را آغاز نمایند.

چهار الزام اولیه برای حفظ هماهنگی

شورا نتیجه گرفت که غیر یهودیان می‌توانند در جلسات جماعتی حضور یابند، مشروط بر اینکه از اعمال زیر پرهیز کنند (اعمال ۱۵:۲۰):

1. **غذای آلوده به بت‌ها:** از مصرف خوراکی‌هایی که به بت‌ها قربانی شده‌اند، پرهیز کنند، زیرا بت‌پرستی برای یهودیان مؤمن بسیار توهین‌آمیز بود.
2. **فساد اخلاقی جنسی:** از گناهان جنسی که در میان آیین‌های مشرکان رایج بود، دوری کنند.
3. **گوشت حیوانات خفه‌شده:** از خوردن حیواناتی که به‌درستی ذبح نشده‌اند، پرهیز کنند، زیرا خون در بدن آنها باقی می‌ماند که طبق قوانین غذایی خدا ممنوع بود.
4. **خون:** از مصرف خون خودداری کنند، عملی که در تورات به‌وضوح ممنوع شده است (لاویان ۱۷:۱۰-۱۲).

این شرایط، خلاصه‌ای از تمامی قوانینی که غیر یهودیان باید رعایت می‌کردند، نبود. بلکه نقطه آغازی بود تا صلح و وحدت بین یهودیان و غیر یهودیان در جماعت‌های مختلط مسیحی تضمین شود.

این تصمیم چه معنایی نداشت؟

ادعای اینکه این چهار الزام، تنها قوانین لازم برای غیر یهودیان جهت خشنود ساختن خدا و دریافت نجات بودند، کاملاً نادرست است.

- آیا غیر یهودیان آزاد بودند که ده فرمان را نقض کنند؟

- آیا می‌توانستند خدایان دیگر را بپرستند، نام خدا را به باطل بگیرند، دزدی کنند یا قتل انجام دهند؟ قطعاً نه. چنین نتیجه‌گیری‌ای با تمامی تعالیم کتاب مقدس درباره انتظارات خدا از عدالت، در تضاد خواهد بود.

- **یک نقطه شروع، نه نقطه پایان:**

- شورا تنها به نیاز فوری برای اجازه دادن به غیر یهودیان جهت شرکت در جلسات جماعت‌های یهودیان مسیحی پرداخت. فرض بر این بود که آنان با گذشت زمان در دانش و اطاعت رشد خواهند کرد.

اعمال ۱۵:۲۱ وضوح بیشتری می‌بخشد

تصمیم شورای اورشلیم در اعمال ۱۵:۲۱ روشن‌تر می‌شود:

“زیرا شریعت موسی [تورات] از دیرباز در هر شهر موعظه شده و در کنیسه‌ها در هر روز سبت قرائت می‌شود.”

این آیه نشان می‌دهد که غیر یهودیان همچنان قوانین خدا را یاد خواهند گرفت، زیرا در جلسات کنیسه حضور خواهند داشت و تورات را خواهند شنید. شورا فرمان‌های خدا را لغو نکرد، بلکه یک رویکرد عملی برای شروع مسیر ایمانی غیر یهودیان بدون تحت فشار قرار دادن آنان تعیین کرد.

زمینه‌ای از تعالیم عیسی

خود عیسی بر اهمیت فرمان‌های خدا تأکید کرد. به‌عنوان مثال، در متی ۱۹:۱۷ و لوقا ۱۱:۲۸، و در کل موعظه سر کوه (متی ۵-۷)، عیسی بر لزوم پیروی از قوانین خدا تأکید کرد، از جمله نهی از قتل، زنا، دوست داشتن همسایگان و بسیاری از موارد دیگر. این اصول بنیادی بودند و هرگز توسط رسولان کنار گذاشته نشدند.

نتیجه‌گیری درباره این استدلال نادرست

شورای اورشلیم اعلام نکرد که غیر یهودیان می‌توانند هر چیزی بخورند یا از فرمان‌های خدا چشم‌پوشی کنند. این شورا یک مسئله خاص را بررسی کرد: چگونه غیر یهودیان می‌توانند در جماعت‌های مسیحی یهودی شرکت کنند بدون آنکه مجبور باشند فوراً همه جنبه‌های تورات را رعایت کنند. این چهار الزام، تدابیری عملی برای حفظ هماهنگی در جوامع مختلط یهودی-غیر یهودی بودند.

انتظار روشن بود: غیر یهودیان در طول زمان از طریق آموزش تورات که هر روز سبت در کنیسه‌ها خوانده می‌شد، درک خود را از قوانین خدا افزایش دهند. ادعای خلاف این، هدف واقعی شورا را نادیده می‌گیرد و تعالیم گسترده‌تر کتاب مقدس را تحریف می‌کند.

استدلال نادرست: “رسول پولس تعلیم داد که مسیح نیاز به اطاعت از قوانین خدا برای نجات را لغو کرد”

حقیقت:

بسیاری از رهبران مسیحی، اگر نگوئیم اکثریت آنها، به اشتباه تعلیم می‌دهند که پولس رسول با شریعت خدا مخالف بود و به غیر یهودیان تازه ایمان آورده دستور داد که از فرمان‌های خدا چشم‌پوشی کنند. برخی حتی معتقدند که اطاعت از قوانین خدا می‌تواند نجات را به خطر بیندازد. این تفسیر منجر به سردرگمی‌های عظیم الهیاتی شده است.

محققانی که با این دیدگاه مخالف هستند، به‌طور گسترده برای پاسخ به بحث‌های پیرامون نوشته‌های پولس تلاش کرده‌اند تا نشان دهند که تعالیم او درباره شریعت و نجات به اشتباه درک شده یا از زمینه خود خارج شده‌اند. با این حال، خدمت ما موضع متفاوتی دارد.

چرا توضیح دادن پولس روش درستی نیست

ما معتقدیم که توضیح دیدگاه پولس درباره شریعت نه تنها غیرضروری است، بلکه حتی به خداوند اهانت‌آمیز است. انجام این کار، پولس، یک انسان، را به مقامی برابر یا حتی بالاتر از پیامبران خدا و حتی خود عیسی ارتقا می‌دهد.

در عوض، رویکرد صحیح الهیاتی این است که بررسی کنیم آیا کتاب مقدس پیش از پولس، پیش‌بینی یا تأیید کرده است که کسی پس از عیسی خواهد آمد و پیامی مبنی بر لغو فرمان‌های خدا را تعلیم خواهد داد. اگر چنین پیشگویی مهمی وجود داشت، ما دلیلی برای پذیرش تعالیم پولس در این زمینه به‌عنوان وحی الهی می‌داشتیم، و منطقی بود که تمام تلاش خود را برای درک و پیروی از آن انجام دهیم.

نبود هیچ پیشگویی درباره پولس

واقعیت این است که در کتاب مقدس هیچ پیشگویی‌ای درباره پولس یا هیچ شخصیت دیگری وجود ندارد که پیامی بیاورد که فرمان‌های خدا را لغو کند. تنها افرادی که به‌طور صریح در عهد عتیق پیشگویی شده‌اند و در عهد جدید ظاهر می‌شوند، عبارتند از:

1. **یحیی تعمیددهنده:** نقش او به‌عنوان پیشاهنگ مسیح پیش‌بینی شده بود و عیسی این را تأیید کرد (مانند اشعیا ۴۰:۳، ملاکی ۵:۴-۶، متی ۱۱:۱۴).
2. **یهودا اسخریوطی:** اشاره‌های غیرمستقیم به او در بخش‌هایی مانند مزمو ۴۱:۹ و مزمو ۶۹:۲۵ یافت می‌شود.
3. **یوسف رامه‌ای:** اشعیا ۵۳:۹ به‌طور غیرمستقیم به او اشاره می‌کند، که او کسی بود که محل دفن عیسی را فراهم کرد.

فراتر از این افراد، هیچ پیشگویی‌ای درباره هیچ‌کس—و به‌ویژه کسی از تارسوس—وجود ندارد که برای لغو فرمان‌های خدا فرستاده شده باشد یا تعلیم دهد که غیر یهودیان می‌توانند بدون اطاعت از قوانین ابدی خدا نجات یابند.

آنچه عیسی درباره آینده پس از عروج خود پیشگویی کرد

عیسی پیشگویی‌های متعددی درباره آنچه پس از خدمت زمینی‌اش رخ خواهد داد، بیان کرد، از جمله:

- **ویرانی معبد** (متی ۲۴:۲).
- **آزار و شکنجه شاگردانش** (یوحنا ۱۵:۲۰، متی ۱۰:۲۲).
- **گسترش پیام ملکوت به همه ملت‌ها** (متی ۲۴:۱۴).

با این حال، هیچ اشاره‌ای به شخصی از تارسوس—و به‌ویژه پولس—نمی‌شود که اختیار داشته باشد تا آموزه‌ای جدید یا متضاد درباره نجات و اطاعت تعلیم دهد.

آزمون واقعی نوشته‌های پولس

این بدان معنا نیست که باید نوشته‌های پولس یا پطرس، یوحنا و یعقوب را رد کنیم. در عوض، باید با احتیاط به این نوشته‌ها پردازیم و اطمینان حاصل کنیم که هر تفسیری با متون بنیادین همخوانی دارد: شریعت و پیامبران در عهد عتیق و تعالیم عیسی در انجیل‌ها.

مشکل در خود نوشته‌ها نیست، بلکه در تفاسیری است که الهیدانان و رهبران کلیسا به آنها تحمیل کرده‌اند. هر تفسیری از تعالیم پولس باید با معیارهای زیر پشتیبانی شود:

1. **عهد عتیق:** شریعت خدا که از طریق پیامبرانش آشکار شد.
2. **چهار انجیل:** سخنان و اعمال عیسی که شریعت را تأیید کرد.

اگر تفسیری با این معیارها سازگار نباشد، نباید به‌عنوان حقیقت پذیرفته شود.

نتیجه‌گیری درباره این استدلال نادرست

ادعای اینکه پولس لغو فرمان‌های خدا، از جمله دستورات غذایی را تعلیم داده است، هیچ پشتیبانی در کتاب مقدس ندارد. هیچ پیشگویی چنین پیامی را پیش‌بینی نکرده است، و خود عیسی شریعت را تأیید کرد. بنابراین، هر تعلیمی که خلاف این ادعا کند، باید در برابر کلام تغییرناپذیر خدا مورد بررسی و سنجش قرار گیرد.

به‌عنوان پیروان مسیح، ما فراخوانده شده‌ایم که با آنچه از قبل توسط خدا نوشته و آشکار شده است، همسو شویم، نه اینکه به تفاسیری اعتماد کنیم که فرمان‌های ابدی او را نقض می‌کنند.

تعالیم عیسی، از طریق کلام و الگو

شاگرد حقیقی مسیح، تمام زندگی خود را بر اساس الگوی او شکل می‌دهد. او به‌وضوح بیان کرد که اگر ما او را دوست داشته باشیم، مطیع پدر و پسر خواهیم بود. این یک الزام برای افراد ضعیف نیست، بلکه برای کسانی است که چشمانشان به ملکوت خدا دوخته شده و آماده‌اند هر کاری را که لازم باشد برای دستیابی به حیات جاودان انجام دهند، **حق اگر این کار باعث مخالفت دوستان، کلیسا و خانواده شود.** فرمان‌هایی که درباره **موی سر و ریش، تسیت، ختنه، سبت و گوشت‌های حرام** داده شده‌اند، تقریباً توسط تمامی مسیحیان نادیده گرفته می‌شوند، و کسانی که از پیروی از جماعت سر باز می‌زنند، **قطعاً با آزار و اذیت روبه‌رو خواهند شد**، همان‌طور که عیسی به ما هشدار داد (متی ۱۰:۵). اطاعت از خدا شجاعت می‌طلبد، اما پاداش آن حیات جاودان است.



چهار سم از حیوانات مختلف، برخی شکافته و برخی کامل، مطابق قوانین کتاب مقدس درباره حیوانات پاک و ناپاک طبق لاویان ۱۱.

قوانین غذایی خدا، که در تورات ذکر شده‌اند، به‌طور خاص حیواناتی را که قوم او اجازه دارند بخورند و آنهایی که باید از آنها پرهیز کنند، تعریف می‌کنند. این دستورات بر قداست، اطاعت و جدایی از اعمالی که باعث ناپاکی می‌شوند، تأکید دارند. در زیر فهرستی دقیق و توصیفی از گوشت‌های حرام، همراه با ارجاعات کتاب مقدس آورده شده است.

۱. حیوانات خشکی که نشخوار نمی‌کنند یا سم شکافته ندارند

- حیواناتی که یکی از این ویژگی‌ها یا هر دو را ندارند، ناپاک محسوب می‌شوند.

• نمونه‌هایی از حیوانات حرام:

- شتر (گمال، ۶۱۶) - نشخوار می‌کند اما سم شکافته ندارد (لاویان ۱۱:۴).
- اسب (سوس، ۵۱۰) - نه نشخوار می‌کند و نه سم شکافته دارد.

- خوک (חזיר، 7:17) - شُم شکافته دارد اما نشخوار نمی‌کند (لاویان ۱۱:۷).

2. موجودات آبی بدون باله و فلس

- فقط ماهی‌هایی که هم باله و هم فلس دارند، مجاز هستند. موجوداتی که یکی از این دو را ندارند، ناپاک محسوب می‌شوند.

• نمونه‌هایی از موجودات حرام:

- گربه‌ماهی - فلس ندارد.
- نرم‌تنان دریایی - شامل میگو، خرچنگ، لابستر و صدف.
- مارماهی - نه باله دارد و نه فلس.
- هشت‌پا و ماهی مرکب - هیچ‌کدام باله و فلس ندارند (لاویان ۱۱:۹-۱۲).

3. پرندگان شکاری، لاشخورها و سایر پرندگان حرام

- شریعت مشخص می‌کند که برخی پرندگان نباید خورده شوند، معمولاً آن‌هایی که رفتار شکاری یا لاشه‌خواری دارند.

• نمونه‌هایی از پرندگان حرام:

- عقاب (نشر، 7:37) (لاویان ۱۱:۱۳).
- کرکس (7:77، داآه) (لاویان ۱۱:۱۴).
- کلاغ (عورو، 7:15) (لاویان ۱۱:۱۵).
- جغد، شاهین، و سایر پرندگان (لاویان ۱۱:۱۶-۱۹).

4. حشرات پرنده‌ای که روی چهار پا راه می‌روند

- به‌طور کلی، حشرات پرنده ناپاک محسوب می‌شوند، مگر اینکه پاهای مفصلی برای جهیدن داشته باشند.

• نمونه‌هایی از حشرات حرام:

- مگس‌ها، پشه‌ها و سوسک‌ها.
- اما ملخ‌ها و جیرجیرک‌ها استثنا هستند و مجازند (لاویان ۱۱:۲۰-۲۳).

5. حیواناتی که روی زمین می‌خزند

- هر موجودی که روی شکم خود حرکت می‌کند یا پاهای زیاد داشته و بر روی زمین می‌خزد، ناپاک محسوب می‌شود.

• نمونه‌هایی از موجودات حرام:

- مارها.
- مارمولک‌ها.
- موش‌ها و موش‌های کور (لاویان ۱۱:۲۹-۳۰، ۱۱:۴۱-۴۲).

6. حیوانات مرده یا در حال فساد

- حتی از میان حیوانات پاک، هر لاشه‌ای که به خودی خود مرده یا توسط شکارچیان دریده شده باشد، حرام است.

- منبع: لایوان ۳۹:۱۱-۴۰، خروج ۳۱:۲۲.

7. تلاقی گونه‌ها (آمیزش میان‌گونه‌ای)

- هرچند این موضوع مستقیماً به رژیم غذایی مربوط نمی‌شود، اما آمیزش میان‌گونه‌ای منع شده است، که نشان‌دهنده اهمیت دقت در تولید مواد غذایی است.

- منبع: لایوان ۱۹:۱۹.

این دستورات نشان‌دهنده تمایل خداوند برای متمایز کردن قوم خود است، به طوری که او را حتی در انتخاب‌های غذایی خود نیز گرامی بدانند. با پیروی از این قوانین، پیروان او اطاعت و احترام خود را نسبت به قداست فرمان‌های او نشان می‌دهند.